در پی وقوع فاجعه مرگبار سونامی در اندونزی سخنگوی مرکز مدیریت بلایای طبیعی این کشور بر لزوم طراحی سیستم جدید هشدار سریع سونامی تاکید کرد. شمار کشته شدگان این حادثه طبیعی به ۳۷۳ تن رسیده است. صدها نفر از نیروهای ارتش و داوطلب در حال جست‌وجو در میان آوارهای به جامانده و نجات حادثه‌دیدگان هستند. دست‌کم ۱۰ هزار نفر دیگر زخمی و مصدوم شده‌اند. همچنین به بیش از ۶۰۰ خانه، ۶۰ فروشگاه و ۴۲۰ قایق خسارت وارد شده است.

افزایش قربانیان سونامیِ اندونزی به ۳۷۳ نفر

حادثه در قاب

امداد رسانی روز گذشته آتش نشانان مشهد به راننده مصدوم در واژگونی خودروی ام‌وی‌ام در بولوار شهید برونسی

در زندان مرکزی مشهد رقم خورد

۲ بند انگشت زیر تیغ!

گروه حوادث- مرد ۳۳ ساله ای که قرار بود حکم قصاص قطع دو بند انگشت جوان ۲۹ ساله را در زندان مرکزی مشهد اجرا کند، صبح روز گذشته در آخرین لحظات اجرای حکم و زمانی که دو بند انگشت ضارب زیر تیغ قرار گرفته بود به طور ناگهانی و بدون دریافت هیچ دیه ای از قصاص گذشت.

به گزارش خراسان، بیست و چهارم شهریور سال ۱۳۹۴ نزاع خونینی در روستای میر بنگشت از توابع بخش رضویه مشهد به دلیل اختلافات قبلی بر سر یک پرونده جنایی رخ داد. در این درگیری هولناک که عاملان نزاع با چماق و شمشیر به جان یکدیگر افتادند، زخم های سطحی و عمیق بر پیکر افراد خودنمایی می کرد که در این میان مرد ۳۰ ساله در حالی که خون از پیکرش جاری بود ناگهان دستش را مقابل شمشیر جوان ۲۶ ساله ای به نام «د- ت» گرفت اما آن جوان خشمگین با قساوت تیغه شمشیر را فرود آورد و دو بند انگشت مرد ۳۰ ساله را قطع کرد. گزارش خراسان حاکی است: با پایان یافتن این نزاع خونین، پیکر بی رمق «م- گ» (مضروب) به مرکز درمانی منتقل شد و با تلاش کادر درمانی، این جوان از مرگ نجات یافت.

با گزارش این حادثه تاسف بار به نیروهای انتظامی، بلافاصله تحقیقات در این باره آغاز و مشخص شد که نزاع خونین به دلیل اختلافات قبلی بر سر یک پرونده جنایی رخ داده است بنابراین با اعلام شکایت مصدوم، پرونده مذکور در شعبه ۴۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد مورد رسیدگی قرار گرفت و پس از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست به شعبه سوم کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد. به گزارش خراسان، قضات با تجربه دادگاه کیفری پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه، در نهایت رای خود را درباره یکی از متهمان این پرونده که «د- ت» نام دارد صادر کردند. بنا به رای صادر شده از سوی دادگاه، متهم به خاطر شرکت در نزاع به تحمل یک سال زندان و به خاطر ایراد جراحات غیر کشنده به پرداخت میلیون ها تومان دیه و همچنین به دلیل قطع دو بند از انگشت دست راست مضروب به قصاص محکوم شد ولی این حکم با اعتراض متهم در شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور مورد رسیدگی دقیق قرار گرفت. با این حال قضات دیوان عالی نیز پس از مطالعه دقیق محتویات پرونده، گزارش پزشکی قانونی و نیروی انتظامی و همچنین دیگر اسناد و مدارک انکار ناپذیر، رای صادر شده از سوی شعبه سوم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی را تایید کردند. این گونه بود که بعد از قطعیت یافتن حکم صادر شده، این پرونده به اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ارسال شد و بدین ترتیب قضات اجرای حکم در صدد فراهم کردن مقدمات قصاص برآمدند تا در صورت گذشت نکردن شاکی، حکم قصاص برابر مقررات شرعی و قانونی در زندان مرکزی مشهد اجرا شود. گزارش خراسان حاکی است: محکوم به قصاص دو بند انگشت که دیگر خود را در آستانه اجرای حکم می دید، همه تلاش خود را برای گرفتن رضایت از شاکی پرونده به کار گرفت و حتی حاضر شد فقط برای اجرا نشدن این حکم و گذشت شاکی مبلغ ۲۰ میلیون تومان بپردازد ولی مضروب حادثه که دو بند انگشت خود را با تیغ شمشیر ضارب از دست داده بود به هیچ وجه حاضر به گذشت نشد و تنها خواستار اجرای حکم قصاص شد بنابراین صبح روز گذشته مقدمات اجرای حکم فراهم شد و «د- ت» جوانی که اکنون ۲۹ ساله است برای اجرای حکم قصاص در زندان مرکزی فراخوانده شد و دو بند از انگشت دست راست وی زیر تیغ قرار گرفت تا مضروب ۳۳ ساله در حضور پزشک و قضات اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد این حکم را اجرا کند.

عکس تزیینی است

مضروب با همان دستی که انگشتش قطع شده بود، در صدد اجرای حکم برآمد که ناگهان با عذرخواهی و فریادهای اشتباه کردم ! اشتباه کردم! ضارب روبه‌رو شد و در یک لحظه از قصاص وی گذشت کرد بدون آن که وجهی از او دریافت کند یا شرطی قائل شود. گزارش خراسان حاکی است: در پی گذشت شاکی از قصاص، موضوع توسط قاضی زرگر (یکی از قضات باتجربه اجرای احکام دادسرای مشهد) صورت جلسه شد و در نهایت معاون دادستان مرکز خراسان رضوی در اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد نیز با اشاره به گذشت شاکی گفت: طبق شرع و قانون جمهوری اسلامی، قصاص حق الناس است و در صورت درخواست شاکی حتما باید اجرا شود اما در دین مبین اسلام به گذشت نیز توصیه زیادی شده است به طوری که قبل از اجرای حکم قضات اجرای احکام در راستای وظیفه دینی و اخلاقی، شاکیان را توصیه به گذشت می کنند و این بار نیز خوشبختانه با گذشت شاکی پرونده یک حکم قصاص به اجرا درنیامد. قاضی مجتبی عندلیب با اشاره به فرمایش های ائمه اطهار (ع) درباره کظم غیظ افزود: شهروندان باید توجه داشته باشند که هنگام خشم و عصبانیت تصمیم نگیرند یا خدای ناکرده به سوی نزاع کشیده نشوند زیرا در پرونده های جنایی زیادی که حکم قصاص آن ها به اجرا درمی آید، جنایتی فقط به خاطر یک لحظه خشم آنی رخ داده است و خانواده هایی داغدار شده یا از هم گسیخته اند بنابراین باید از این گونه جرایم که عاقبتی جز پشیمانی ندارد، درس بگیریم و به هنگام بروز خشم خود را کنترل کنیم و حقوق خود را از طریق قانونی پیگیر باشیم.

خواستگار جوان، رقیب عشقی اش را گروگان گرفت

چند روز قبل یک خودروی مدل بالا مقابل کاروانسی در غرب تهران توقف کرد. سرنشینان خودرو از کارگر کارواش خواستند تا مباشر صاحب کارواش را صدا بزند. به محض این که مرد جوان به خودروی مردان ناشناس نزدیک شد سه نفر از آنان پیاده شدند و او را داخل خودرو انداختند و به راه افتادند. آن ها پس از ورود به یک آپارتمان وی را روی صندلی طناب پیچ کردند و به زور یک فقره چک به مبلغ ۳ میلیارد تومان از گروگان خود گرفتند. سپس یکی از رابندگان گفت: باید دست از سر دختر مورد علاقه‌ات برداری. خانواده‌ات هم شناسایی شده‌اند اگر دلت نمی‌خواهد بلایی سر پدر و مادر پیرت بیاید بهتر است که از فکر ازدواج با دختر بیرون بیایی. دختر جوان ضمن تماس با پلیس گفت که تصور می کنم رباینده خواستگار قبلی‌ام باشد. پدر وی نمایشگاه دار است و پدر من هم کارواش دارد و به واسطه کارشان باهم آشنا شده‌اند. پسر جوان مدام به من ابراز علاقه می کرد اما جواب من منفی بود تا این که مباشر پدرم چند روز قبل از من خواستگاری کرد و من برای این که دست از سرم بردارد این موضوع را به او گفتم.

در نهایت کارآگاهان موفق به دستگیری رباینده و سه همدستش شدند.

پلمب کوره ذوب باتری‌های سرقتی خودرو در شهر قدس

فرمانده انتظامی غرب استان تهران از شناسایی و پلمب کوره ذوب باتری های سرقتی خودرو در شهرستان قدس خبر داد. به گزارش ایسنا، سردار محسن خانچرلی در این باره گفت: به دنبال کسب خبری مبنی بر انتقال تعدادی از باتری‌های سرقتی دکل های مخابراتی به یک کوره ذوب فلزات، کارآگاهان پلیس آگاهی شهرستان قدس به محل مدنظر اعزام شدند و بررسی موضوع را در دستور کار خود قرار دادند. وی با اشاره به این که این کارگاه به صورت غیرقانونی در داخل معادن شن و ماسه متروکه دایر شده بود، افزود: مأموران پلیس آگاهی پس از هماهنگی با مقام قضایی وارد کارگاه شدند و ۲۴ نفر را دستگیر کردند. وی با بیان این که ماموران در بازرسی از این کارگاه سه هزار عدد انواع باتری کشف کردند، افزود: صاحب این کارگاه اقدام به ذوب انواع باتری های سرقتی خودرو و موتورسیکلت و تولید شمش های سرب به صورت غیرمجاز می کرد. براساس گزارش سایت پلیس، فرمانده انتظامی ویژه غرب استان تهران با اشاره به پلمب این کارگاه، خاطرنشان کرد: دایر کنندگان این کارگاه غیرمجاز پس از تشکیل پرونده به مراجع قضایی تحویل داده شدند.

در امتداد تاریکی

از اخاذی تا حق السکوت!

کمبود محبت در خانواده موجب شد در آستانه جوانی به سوی عشق خیابانی کشیده شوم که در نهایت نیز همین عشق نافرجام مرا به سوی تباهی کشاند به طوری که امروز به موجودی سرخورده و رسوا تبدیل شده‌ام و زندگی ام نیز در مسیر نابودی قرار گرفته است و...

زن ۲۳ ساله در حالی که بیان می کرد اشتباهات تلخی که به نام عشق و سرگرمی مرتکب می شدم چنان باعث رسوایی و آبروریزی شد که در معرض تهمت های بی‌شماری قرار گرفته‌ام، به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری الهیه مشهد گفت: تک دختر خانواده بودم و همواره از سوی سه برادرم مورد توهین و فحاشی قرار می گرفتم. آن ها همه رفتار و حرکات مرا زیر نظر داشتند و با کوچک ترین اشتباهی که مرتکب می‌شدم مرا کتک می زدند. همین کمبود محبت‌ها در خانواده مرا به سوی دوستی خیابانی با پسر همسایه کشاند به طوری که خیلی زود ارتباط عاشقانه ای بین من و «کاظم» برقرار شد اما هنوز مدت زیادی از این رابطه خیابانی نمی گذشت که پدر و مادرم متوجه ماجرا شدند و برادرانم با مشت و لگد به جانم افتادند. از آن روز به بعد دیگر اجازه رفتن به دبیرستان را هم نداشتم تا این که به اجبار با یکی از بستگان دور مان ازدواج کردم. بعد از آن بود که عشق کاظم را به کلی فراموش کردم و به زندگی با «کریم» ادامه دادم. همسرم خیلی مرا دوست داشت و هر آن چه اراده می کردم برایم فراهم می‌آورد ولی مسیر انحراف من از زمانی شروع شد که از همسرم تلفن هوشمند خواستم. او نیز جدیدترین مدل گوشی را به من هدیه داد. این موضوع بسیار برایم خوشایند بود زیرا بخشی از کمبود محبت هایم را جبران می کرد. دو سال بعد در ماه های اول بارداری بودم که متوجه اعتیاد همسرم شدم اما به خاطر محبت های او و این که در زندگی کاملا آزاد بودم با این موضوع کنار آمدم و اعتراضی نکردم. با این حال همسرم از نظر پوشش، آرایش و رفت و آمد کاملا مرا آزاد گذاشته بود و خودش نیز درگیر کار و اعتیادش بود. پس از به دنیا آمدن فرزندم آرام آرام از همسرم فاصله گرفتم و در همین زمان منزل مان را به منطقه الهیه مشهد منتقل کردیم. از آن روز به بعد محل کار همسرم دور شد و او دیگر ظهر به خانه نمی آمد. این گونه بود که با اجازه همسرم من هم در یک کارگاه تولیدی مواد غذایی مشغول کار شدم. آن جا فقط من متاهل بودم و چهار دختر مجرد نیز در آن کارگاه فعالیت داشتند. سرگرمی آن چهار دختر فرستادن پیامک برای مردان هوسباز و سر کیسه کردن آن ها بود. بعد از مدتی آن ها با شوخی و خنده مرا نیز وارد خلافکاری خودشان کردند تا چند نفر را سر کار بگذارند. در این میان من هم آلوده این کار شدم و برای سر کیسه کردن و تفریح و خوش گذرانی برخی مردان را سر کار می گذاشتم و با بعضی از آنان بیرون می رفتم به خاطر این که محل کارم نزدیک خانه مادرم بود روزی هنگام رفتن به منزل مادرم به طور اتفاقی با کاظم روبه رو شدم و خاطرات گذشته برایم زنده شد. آن روز در حالی رابطه دیگری را با کاظم آغاز کردم که او قول ازدواج به من داد. بعد از این ماجرا اخلاقم در خانه تغییر کرد و دیگر قادر به تحمل همسرم نبودم و مدام با یکدیگر مشاجره داشتیم. در همین روزها بود که یکی از آن مردانی که به خاطر سرگرمی با او آشنا شده بودم با من تماس گرفت و تهدید کرد عکس هایی را که از من دارد برای همسرم می فرستد. من هم از ترس مجبور شدم او را به خانه دعوت کنم و مبلغی حق السکوت به او بدهم. ولی او یک هفته بعد دوباره درخواست پول کرد، با تماس های مکرر او همسرم به من مشکوک شد و مرا کتک زد. من هم از خانه فرار کردم تا با کاظم که قول ازدواج به من داده بود به مکان دیگری بروم ولی تازه فهمیدم که او نامزد دارد و خانواده اش ضمن توهین و فحاشی به من تهدیدم کردند که از من شکایت می کنند. سرشکسته و رسوا در حالی به خانه مادرم بازگشتم که آن مرد غریبه بالاخره در تماس تلفنی همه ماجرا را برای همسرم بازگو کرده بود و من با تهمت های زیادی روبه رو شده‌ام که...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

بازتاب

این ستون هر روز خبرها و مطالب پربازنشر و پربازدید فضای مجازی را در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌دهد

برای دیدن فیلم‌ها و ویدئوهایی که در ستون بازتاب درباره آن‌ها نوشته‌ایم کافی است کیوآر کد روبه‌رو را از طریق گوشی همراهتان اسکن کنید و از دیدن آن‌ها لذت ببرید.

نماز روی جرثقیل، کله پاچه دور از دسترس و ابتذال سوال!

2.4 M views

برنده باش و سوالات مبتذل!

کاربری که در مسابقات «برنده باش» شرکت کرده بود عکسی از سوال باورنکردنی این مسابقه منتشر کرد که در آن از رنگی که مورد علاقه «سحر قریشی» بازیگر سینما و تلویزیون نیست سوال شده بود. این سوال انتقادهای زیادی را به دنبال داشت. کاربری نوشت: «برنامه ای که ادعا می کنه می خواد سطح مطالعه مردم رو بالا ببره یه همچین سوالاتی نباید بپرسه دیگه» کاربر دیگری نوشت: « توهین به شعور مخاطب. کاش برای این که ذهن بقیه مخاطبان باز بشه یه گزارش از مراحل شرکت در این مسابقه و هزینه‌هایی که فرد باید پرداخت کنه ارائه کنن»

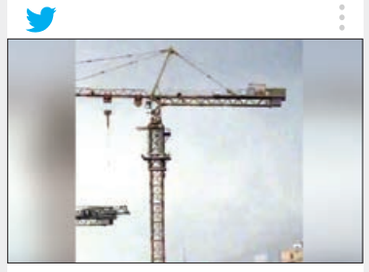

3.6 M views

نماز بر فراز ابرها

فیلمی در فضای مجازی پخش شد که نشان می‌داد فردی روی یک تاورکرین (جرثقیل) در حال نماز خواندن است. کاربری نوشت: «عشق بازی با خدا لحظه و مکان خاصی نداره» کاربر دیگری نوشت: «به نظر می رسه این کار غلطی بوده که این بنده خدا انجام داده چون حفظ جون واجب تره و این کار خیلی خطرناکه» کاربری هم نوشت: «احتمالا نمازش داشته قضا می شده و به این دلیل که پایین اومدن از این جرثقیل ها سخت و البته زمان بر هست همون جا نمازش رو خونده»

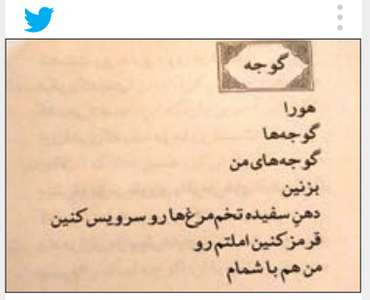

3.2 M views

حال و روز و خیم کتاب های شعر

تصویری از یک برگ کتاب شعر در فضای مجازی پخش شد که در آن چند کلمه بی ربط نوشته شده و به نظر می رسد به اسم شعر به چاپ هم رسیده است. کاربری نوشت: «اگه این جوریه منم شاعرم. آی تخمه ها که در ظرفید می خواهم بشکنم تان تا بخورم تان» کاربر دیگری نوشت: «وقتی بعضی ناشرها دنبال پول باشن همین می شه و به خاطر کمی پول هر چیزی رو چاپ می کنن» کاربری هم نوشت: «اوضاع شعر خیلی وخیم شده اینو می شه از ترانه هایی که از تلویزیون پخش می شه هم فهمید»

2.4 M views

ادعای اشتباه فاحش پزشکی!

ویدئویی از یک بیمار در فضای مجازی پخش شد که در آن بدون هیچ مدرکی ادعا می شود پزشکان بیمارستان ولی عصر اراک، به جای این که لگن چپ بیمار را که دچار شکستگی بوده عمل کنند، پای راستش را عمل کرده اند. کاربری نوشت: «خاشقچی اگه زنده بود، با این خبر سکته رو می زد.» کاربر دیگری نوشت: «خدا رو شکر شکستگی فجیع لگن داداشم با عمل در همین بیمارستان خوب شد.» کاربری هم نوشت: «از بس خبرای ضد و نقیض و دروغ در این بازار مکاره شنیدم باورم نمی شه، اگه واقعا هست مدرکی رو کنن.»

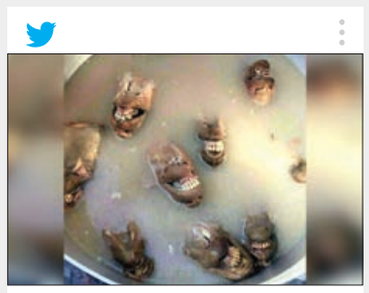

2.1 M views

پرواز کله پاچه!

خبری در فضای مجازی پخش شد که برای آن دسته از افرادی که صبح ها اهل کله پاچه خوردن هستند، سخت بود و تکان دهنده، در خبر آمده بود: «قیمت هر دست کله پاچه به ۲۰۰ هزار تومان رسید» کاربری نوشت: «کاش یه کله پاچه رومیذاشتین بمونه واسمون...» کاربر دیگری نوشت: «یه دلخوشی داشتیم که در هفته یه روز کله پاچه می خوریم همینم ازمون گرفته شد.» کاربری هم نوشت: «بهتر، کله پاچه خیلی چربه وحالا توفیق اجباری شد که نخوریم!»

1.6 M views

ترس از موتور سوار جان آهورا گرفت

فیلمی از لاشه یک «جیبر نر» توسط یک محیط بان در فضای مجازی پخش شد که در آن محیط بان از ایست قبلی این آهو در بندرلنگه به دلیل ترس از شکارچیانی که او را با موتور دنبال کردند می گوید. کاربران دوستدار محیط زیست به این ویدئو واکنش نشان دادند. کاربری نوشت: «اگه این محیط بان مطمئنه که موتور سوارا دنبال این آهو کردن، باید به دستگاه قضایی معرفی شون کنه» کاربر دیگری نوشت: «نبود قانون بازدارنده در بخش محیط زیست و حمایت از حیوونا با دیدن این ویدئوها کاملا مشهوده»